

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

هایده محمدی گزستانی^۱
سید عبدالصاحب امامی^۲
حجت‌اله فانی^۳

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس بوده است. **روش:** روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر (۲۰۴ نفر مرد و ۱۸۰ نفر زن) با روش تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه هوش فرهنگی آنگ (۲۰۰۴) و خودکارآمدی تحصیلی *آون* و *فرانمن* (۱۹۹۸) بود. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمونهای آماری کولموگراف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. **یافته‌ها:** بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین ابعاد هوش فرهنگی (فراشناختی، شناختی، انگیزشی، رفتاری) و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس رابطه معنادار وجود دارد. **نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که هوش فرهنگی می‌تواند به عنوان یک عامل اثرگذار، نقش مؤثری در افزایش یا کاهش خودکارآمدی تحصیلی داشته باشد.

واژگان کلیدی: هوش فرهنگی، خودکارآمدی، خودکارآمدی تحصیلی، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی.

◆ دریافت مقاله: ۹۱/۰۵/۲۶؛ تصویب نهایی: ۹۱/۱۰/۰۴.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر (نویسنده مسئول) / آدرس: بوشهر؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، دانشکده تحصیلات تکمیلی، گروه علوم تربیتی / نامبر: ۲۵۴۱۰۰۲ - ۰۷۷۱ / Email: yasl_m@yahoo.com
۲. دکترای مدیریت آموزشی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / Email: saheb_emami@yahoo.com
۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت / Email: fani_h2013@yahoo.com

الف) مقدمه

هر جامعه‌ای برای برآوردن نیازهای حیاتی افراد، از نهادهایی استفاده می‌کند؛ یکی از اساسی‌ترین این نهادها، نهاد آموزشی است که تعلیم و پرورش افراد خودکارآمد، توانمند و مورد نیاز جامعه در توسعه فرهنگی و اجتماعی، نشان از نقش خطیر آن است. در این میان، دانشگاه نهادی است که علاوه بر هدف ترویج و ارتقای سطح دانش، افزایش باورهای دانشجویان به توانمندی علمی‌شان را نیز بر عهده دارد. بنابر این، شناخت مفهوم خودباوری و خودکارآمدی در دانشجویان در برخورد با مسائل و مشکلات، می‌تواند موجب پیشرفت و موفقیت آنها در تمام امور، به ویژه در امر تحصیل شود. با توجه به این تعریف، می‌توان خودکارآمدی تحصیلی را احساس اطمینان و اعتمادی دانست که دانشجو نسبت به توانایی خود در انجام موفقیت‌آمیز تکالیف تحصیلی، در یک تراز مشخص تجربه می‌کند. لذا تحصیل در محیط‌های آموزشی نیاز به دانشجویانی دارد که با اطمینان از توانایی‌های خود، در صدد ارتباط و تعامل همزمان با دانشجویانی با فرهنگهای متفاوتند. پس قضاوت دانشجو در مورد استعدادها و توانایی‌هایش در موقعیتهای تحصیلی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که او را در این مسیر یاری می‌رساند.

بدون شک گروه همسالان و محیط آموزشی و تعاملات درون محیط آموزشی، به روشهای مختلف می‌تواند بر خودکارآمدی تأثیر بگذارد؛ به طوری که در محیط دانشگاهی عامل مؤثر بر خودکارآمدی، ارتباط دانشجو با دانشجوست. دانشجویان با دیدگاهها، فرهنگ و رفتارهای مختلف وارد دانشگاهها می‌شوند که این عوامل به نوعی در ارتباطات دانشجویی، چالش ایجاد می‌کند. در این محیط، دانشجویان نیازمند توانایی‌های ویژه‌ای در زمینه برقراری ارتباط و تعامل با افرادی با فرهنگهای مختلف می‌باشند که یکی از این توانایی‌ها، برخورداری از هوش فرهنگی است. از این رو، بررسی فرایند ذهن تا عمل افراد برپایه نشان دادن واکنش در محیط‌های فرهنگی متفاوت، سرعت و صحت این واکنشها، مباحثی‌اند که در قالب هوش فرهنگی قابل بررسی‌اند.

از سوی دیگر، با توجه به رشد روزافزون اطلاعات و تعاملات جهانی و بین فرهنگی و ورود دانشجویان با دیدگاهها، فرهنگها و رفتارهای متفاوت به محیط‌های آموزشی، از جمله

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۰۹

دانشگاهها، توجه هر چه بیشتر به مقوله‌های بین فرهنگی امری ضروری است. لازمه برقراری ارتباط مؤثر میان فرهنگی و حل تعارضها، برخورداری از هوش فرهنگی است که سازگاری با موقعیتهای جدید را تسریع و فعالیت در چنین شرایط محیطی را راحت تر می‌کند. بنابر این، تقویت بینش و باورهای افراد در محیطهای آموزشی متنوع فرهنگی ضروری است. نقش اساسی دانشگاهها در تغییر بینش دانشجویان و نقش حساس باور دانشجویان به توانایی‌هایشان و نیز مشخصه‌های فردی و اجتماعی هوش فرهنگی، انگیزه طرح این پرسش شد که هوش فرهنگی با دیگر متغیرهای تحصیلی، از جمله خودکارآمدی تحصیلی، چه رابطه‌ای دارد و چگونه می‌تواند بر باور فرد نسبت به توانایی‌اش در انجام وظایف خاص تحصیلی تأثیر بگذارد و با چه سازوکارهایی می‌توان موجبات افزایش خودباوری و خودکارآمدی دانشجویان را فراهم آورد؟

ب) مبانی نظری

۱. خودکارآمدی

امروزه مفهوم خودکارآمدی، متغیری کلیدی در روان‌شناسی بالینی، تربیتی، اجتماعی، رشد، سلامت و شخصیت محسوب می‌شود (بندورا،^۱ ۱۹۹۳، ۱۹۹۵). خودکارآمدی از نظریه شناختی اجتماعی آلبرت بندورا مشتق شده و مفهومی اساسی در فهم رفتار انسان است که در چگونگی احساس، تفکر و عمل افراد، تفاوتی ایجاد می‌کند. بندورا بیان می‌کند که مفهوم خودکارآمدی اشاره دارد به باور فرد مبنی بر اینکه می‌تواند کاری را به طور موفقیت‌آمیز انجام دهد یا رابطه‌ای را به نحو مؤثر با دیگران برقرار کند (بندورا، ۱۹۸۲). بر همین اساس، در نظام بندورا، منظور از خودکارآمدی، احساسهای شایستگی و کفایت در کنار آمدن با زندگی است و در واقع؛ عبارت است از یک عقیده محکم که ما بر اساس منابع اطلاعاتی مختلف توانایی‌هایمان را ارزیابی می‌کنیم.

برای ایجاد و تغییر نظام باورهای خودکارآمدی که بخش عمده‌ای از خودآگاهی^۲ افراد را

1. Bandura

2. Self- Knowledge

تشکیل می‌دهد، منابع مهمی تشخیص داده شده که عبارتند از:

تجربه‌های موفق؛ بندورا (۱۹۹۷) اشاره می‌کند به اینکه موفقیتها باور کارآمدی را تقویت و شکستها، به خصوص اگر قبل از احساس کارآمدی رخ دهند، باور خودکارآمدی را تضعیف می‌کنند. عملکردهایی که به نتایج مورد انتظار ختم نشوند، می‌توانند کارآمدی پایین‌تری را ایجاد کنند. وقتی احساس خودکارآمدی ایجاد می‌شود که فرد قادر باشد با پشتکار و تلاش مداوم بر موانع غلبه کند.

منبع دیگر خودکارآمدی، تجربه‌های جانشینی^۲ است. افراد در ارزیابی خودکارآمدی خویش نه تنها بر موفقیت‌های قبلی خود، بلکه تحت تأثیر تجربه‌های جانشینی از طریق الگوسازی یا سرمشق‌گیری متکی‌اند. الگوسازی که با عوامل محیطی مرتبط است، ابزاری مؤثر برای ارتقا و تقویت احساس خودکارآمدی شخصی است. در نتیجه، یک الگوی مهم و مشخص در زندگی یک نفر می‌تواند به القای باورهای شخصی که راه و روش زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کمک کند. (پاجارس، ۲۰۰۲)

سومین منبع خودکارآمدی، ترغیبهای کلامی یا اجتماعی^۳ است که افراد باورهای خودکارآمدی را به عنوان نتیجه تشویقها و حمایت‌های اجتماعی که از دیگران دریافت می‌کنند، ایجاد می‌کنند و گسترش می‌دهند. تشویق‌های اجتماعی و پیشنهاد‌های کلامی می‌توانند به افراد کمک کنند تا تلاش بیشتری به کار ببرند و پشتکار مورد نیاز برای موفقیت را تداوم بخشند و این امر به رشد پیوسته مهارتها و کارآمدی شخصی منجر می‌شود. (همان)

حالات عاطفی و فیزیولوژیک^۴ منبع دیگر خودکارآمدی است. بندورا (۱۹۹۷) در این باره می‌گوید: «قضاوت افراد در مورد توانمندی‌های خود، تابع حالات جسمانی است که آنها به نوبه خود متأثر از حالات عاطفی و فیزیولوژیک شخصی‌اند».

بر همین اساس، باورهای خودکارآمدی نقش مهمی در جنبه‌های مختلف زندگی دارند

-
1. Mastery Experiences
 2. Vicarious Experiences
 3. Pajares
 4. Persuasion Verbal or Social
 5. Physiological and Affective States

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۱۱

که یکی از این جنبه‌ها، جنبه تحصیلی فرد است که موفقیت در آن، تا حد زیادی منوط به داشتن خودکارآمدی بالاست. خودکارآمدی در حوزه تحصیلی به عنوان یکی از عرصه‌های به روز، مورد توجه متخصصان واقع شده که به عنوان قضاوت شخص در مورد توانایی‌هایش برای سازماندهی و اجرای فعالیتهای خاص در جهت به دست آوردن انواع طرحهای عملکرد تحصیلی تعریف شده است (زیممن، ۱۹۹۵). لذا عوامل تأثیرگذار بر خودکارآمدی در حوزه تحصیلی، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که در این رابطه، سازمانهای آموزشی هر چه بیشتر، از نظر فرهنگی متنوع‌تر می‌شوند و ضروری است که دانشجویان در محیطهای آموزشی دانش و مهارتهایی داشته باشند تا به صورت مؤثر با چالشها و مقتضیات یک سازمان آموزشی با دیدگاه جهانی روبه‌رو شوند. نتیجه محیطهای متنوع از نظر فرهنگی این است که افراد با ارزشها، فرضیه‌ها و خواسته‌ها و انتظاراتی مواجهند که اصولاً متفاوت از ارزشها و فرضیه‌های خودشان است. این اعتقاد وجود دارد که هوشی فراتر از بهره هوشی و هوش شناختی می‌تواند توضیح دهد که چرا بعضی افراد در هدایت محیطهای متفاوت از نظر فرهنگی نسبت به افراد دیگر ماهرترند.

۲. هوش فرهنگی

هوش فرهنگی به عنوان توانایی و قابلیت برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد با افرادی با پیشینه متفاوت تعریف می‌شود. هوش فرهنگی می‌تواند بینشهایی را درباره توانایی‌ها و قابلیت‌های افراد فراهم کند تا بتوانند از عهده موقعیتهای چند فرهنگی برآیند، در معادلات بین فرهنگی درگیر شوند و در گروههای کاری متفاوت از نظر فرهنگی عمل کنند (لوگو، ۲۰۰۷). حال در تعاملات فرهنگی، هوش فرهنگی برای مهار تنوع فرهنگی و بهبود عملکرد افراد مطرح است و هسته اصلی تشکیل‌دهنده آن، توانمندی افراد در تعامل سازنده با افراد یا گروههای اجتماعی دارای فرهنگ متفاوت است.

صاحب‌نظران و پژوهشگران، این نوع هوش را سازه‌ای چند بعدی (سه بعدی یا چهار بعدی) می‌دانند. در این تحقیق، الگوی چهار بعدی که عمومیت بیشتری دارد و پرسشنامه استاندارد ۲۰ سؤالی نیز بر اساس آن تهیه شده، مورد تأکید است که مؤلفه‌های آن به شرح ذیل است:

1. Zimmerman

2. Lugo

هوش فرهنگی شناختی؛^۱ دانش عمومی دربارهٔ فرهنگهای دیگر است (آنگ و داین، ۲۰۰۸) و افرادی که دانش فرهنگی بالایی دارند، تشابهات و تفاوتهای فرهنگی را درک می‌کنند. (آنگ و همکاران، ۲۰۰۷)

هوش فرهنگی فراشناختی؛^۳ نوعی آمادگی و مشارکت هوشیارانه و فعال در تعاملهای بین فرهنگی، تعدیل و اصلاح کردن آگاهی‌ها و دانش قبلی و توانمندی در ارتقای بعد شناختی هوش فرهنگی تلقی می‌شود.

هوش فرهنگی انگیزشی؛^۴ توانایی و تمایل به یادگیری و فعالیت در موقعیتهای فرهنگی مختلف را منعکس می‌کند (آنگ و همکاران، ۲۰۰۶) و شامل ارزش درونی افراد برای تعاملات چند فرهنگی و اعتماد به نفسی است که به فرد اجازه می‌دهد در موقعیتهای فرهنگی مختلف به صورت اثربخش عمل کند.

هوش فرهنگی رفتاری؛^۵ توانایی در به کارگیری کنشهای زبانی و غیر زبانی به هنگام تعامل با مردمی از فرهنگهای متفاوت است. (آنگ و داین، ۲۰۰۸)

بر همین اساس و با توجه به مسائلی که بیان شد، نظام آموزشی دانشگاه، محل تحول صلاحیتهای شناختی و کسب دانش و مهارتهای ضروری حل مسئله برای مواجههٔ اثربخش با مسائل و مشکلات اجتماع بزرگ‌تر است؛ محلی است که جوانان و بزرگسالان آیندهٔ سازمانها و جامعه، مهارتها و دانش خود را در بوتۀ آزمایش می‌گذارند و خود را ارزیابی و با افراد دیگر جامعه مقایسه می‌کنند. این محیط متنوع فرهنگی و بافت تعاملی دانشجویی باید به گونه‌ای باشد که احساس باورهای خودکارآمدی دانشجویان نیرومند شود و این یکی از موارد مهم است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

-
1. Cognitive Cultural Intelligence
 2. Ang & Dyne
 3. Meta Cognitive Cultural Intelligence
 4. Motivational Cultural Intelligence
 5. Behavioral Cultural Intelligence

ج) پیشینه تحقیقات انجام شده

در این مورد، پژوهشی که به طور مستقیم رابطه بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی را چه در داخل و چه در خارج از کشور سنجیده باشد، یافت نشد. بنابر این، از پژوهشهای موازی و مرتبط با این موضوع استفاده شد. پژوهشهای انجام شده در خارج از کشور عبارتند از:

۱. پیشینه خارجی

لین ایما و مایکل جی گلفاند (۲۰۱۰) مطالعه‌ای را با عنوان «رفتار سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری انسان یا تأثیر هوش فرهنگی بر تسلسل و نتایج مذاکره» انجام داده‌اند. این پژوهش، تأثیر هوش فرهنگی بر فرایندها و نتایج مذاکرات میان فرهنگی را بررسی کرده و به بازبینی سایر انواع هوشها (مانند توانایی شناختی و هوش عاطفی)، شخصیت (پذیرا و باز بودن در رفتار و برون‌گرا بودن) و تجربیات بین‌المللی پرداخته است. نتایج حکایت از آن داشته‌اند که افراد دارای هوش فرهنگی بالاتر، انگیزه‌های مشارکتی بیشتر و انگیزه شناخت‌شناسی بالاتری نسبت به افراد دارای هوش فرهنگی پایین‌تر دارند. بنابر این، استدلال محققان این بوده که افراد با هوش فرهنگی بالاتر، بر شکل‌گیری روابط همکاری مثبت‌تر (به جای روابط رقابتی منفی) تمرکز دارند. نتایج همچنین حکایت از آن داشته‌اند که با توجه به اینکه افراد با هوش فرهنگی بالاتر، واقعاً از تعامل با افراد از فرهنگهای مختلف لذت می‌برند، احتمال دارد که آنها دارای فکر و ذهن باز و کنجکاو بوده، از یادگیری چیزهای جدید لذت ببرند. به عبارت دیگر؛ انگیزه‌های شناخت‌شناسی بیشتری داشته باشند. افراد با هوش فرهنگی بالاتر هم - بنا به تعریف - در سازگاری با موقعیت متنوع فرهنگی اعتماد به نفس بالایی دارند. بنابر این، اگر مشکلات ارتباطی به دلیل نشانه‌های سرگرم‌کننده فرهنگی پدید آید، به احتمال بسیار زیاد این افراد تلاش بسیار زیادی می‌کنند تا درک درستی از پیرامون خود داشته باشند و اهداف خود را در سازگاری مؤثر با موقعیتهای میان‌فرهنگی به دست آورند. پژوهشها نشان داد که شواهد غیر مستقیم برای رابطه مثبت بین هوش فرهنگی و انگیزه شناخت‌شناسی وجود دارد.

ون داین^(۲۰۰۶) در تحقیقی در بین ۳۳۸ دانشجوی بازرگانی، رابطه بین شخصیت افراد

و چهار عامل هوش فرهنگی را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که وجدان‌گرایی با بعد فراشناختی هوش فرهنگی ارتباط معناداری دارد. شادابی و ثبات عاطفی با جنبه رفتاری هوش فرهنگی در ارتباط است. برون‌گرایی با ابعاد دانش، انگیزش و رفتار ارتباط معناداری دارد و مهم‌ترین نتیجه اینکه، گشودگی در کسب تجربه، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی است که با هر چهار بعد هوش فرهنگی ارتباط مثبت دارد. به عبارت دیگر؛ با میزان توانایی افراد برای انجام وظیفه به طور اثربخش، در مجموعه‌های فرهنگی متنوع، ارتباط مثبتی دارد.

ادیمو^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «نقش تأثیر هوش هیجانی در ارتباط با خودکارآمدی تحصیلی و موفقیت دانشجویان کارشناسی دانشگاه ایبادان نیجریه» به این نتیجه دست یافت که هوش هیجانی با خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، ارتباط قابل توجهی دارد.

آحاد^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود در دانشگاه فناوری سنگاپور با عنوان «بررسی رابطه بین تأثیر آموزش میان‌فرهنگی با خودکارآمدی و خودتنظیمی گروهی از مدیران خارج از کشور در آسیا» به این نتیجه دست یافت که آموزش میان‌فرهنگی در خودتنظیمی گروهی مدیران خارج از کشور اثر مثبت دارد و باعث افزایش خودکارآمدی آنان می‌شود.

جوهان فرلا^۳ و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان «خودکارآمدی تحصیلی و خودمفهومی تحصیلی: بازبینی روابط ساختاری» را انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که خودمفهومی تحصیلی، پیش‌بینی کننده (و میانجی) بهتری برای متغیرهای انگیزش و عاطفی است؛ در حالی که خودکارآمدی تحصیلی، پیش‌بینی کننده (و میانجی) بهتری برای پیشرفت تحصیلی است.

۲. پیشینه داخلی

کاظمی (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی العالمیه» به منظور بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد جامعه المصطفی العالمیه

1. Adeyemo

2. AAhad

3. Johan Ferla

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۱۵

به عنوان نهادی که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند، به این نتیجه دست یافت که بین هوش فرهنگی و عملکرد، ابعاد هوش فرهنگی (فراشناختی، شناختی، انگیزشی، رفتاری) و عملکرد ارتباط وجود دارد.

رستمی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «رابطه خودکارآمدی با هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان دانشگاه تهران» انجام دادند. نتایج نشان داد که خودکارآمدی با کلیه مؤلفه‌های هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده، رابطه مستقیم و معناداری دارد. با کنترل اثر مؤلفه‌های اجتماعی، رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و خودکارآمدی همچنان معنادار ماند. پس از کنترل ادراک هیجانی، دیگر رابطه‌ای بین مؤلفه‌های حمایت اجتماعی ادراک شده با خودکارآمدی مشاهده نشد. از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، ادراک هیجانی، نقش مهم‌تری در تبیین پراکندگی خودکارآمدی دارد و خودکارآمدی، هوش هیجانی و حمایت اجتماعی، رابطه معنادار و متقابل دارند. این پژوهش، نقش محیط پرورشی را در ارتقای خودکارآمدی و هوش هیجانی مورد تأیید قرار داد.

ظهروه‌وند (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «مقایسه مفهوم خود، خودکارآمدی تحصیلی، هوش هیجانی، باورهای جنسیتی و رضایت از جنس دختران و پسران دبیرستانی و سهم هر یک از متغیرها در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی آنها در دانش‌آموزان سوم دبیرستان در کشور» انجام داد. یافته‌ها حاکی از آن است دختران گروه نمونه، در مقایسه با پسران، مفهوم خود، خودکارآمدی تحصیلی و هوش هیجانی پایین‌تر و رضایت از جنس کمتری داشته‌اند. همچنین دختران گروه نمونه در مقایسه با پسران، باورهای کلیشه‌ای جنسیتی کمتری داشته‌اند. نتایج بررسی نی بیان‌کننده آن بود که، در گروه دختران، تنها مفهوم خود و خودکارآمدی تحصیلی توانسته است پیشرفت تحصیلی آنها را پیش‌بینی کند. اما در گروه پسران، به ترتیب: متغیرهای مفهوم خود، خودکارآمدی تحصیلی، باورهای جنسیتی، رضایت از جنس و هوش هیجانی، بخشی از واریانس پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کردند.

معصومی و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان «رابطه بین سبکهای تفکر با خودکارآمدی جوانان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی شیراز» انجام دادند. نتایج نشان داد که بین متغیر خودکارآمدی با همه سبکهای تفکر به جز تفکر درون‌گرا و کل‌نگر، در سطح یک صدم در کل دانش‌آموزان، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین سبکهای تفکر و

خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر نیز رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین هیچ‌کدام از سبک‌های تفکر با خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر رابطه معنادار مشاهده نشده است. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که سبک تفکر آزاداندیش، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای خودکارآمدی کل دانش‌آموزان است. همچنین نتایج گویای این مطلب است که از بین سبک‌ها، تفکر قضاوت‌گر و آزاداندیش، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر است.

ترابی (۱۳۹۰) تحقیقی را با عنوان «بررسی تأثیر آموزش هوش هیجانی بر خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان ملارد» انجام داده است که نتایج آن نشان می‌دهد آموزش هوش هیجانی، تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل از نظر هوش هیجانی را باعث شده است. از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاکی از وجود تفاوت معنادار در خودکارآمدی تحصیلی گروه آزمایش و کنترل است، اما در پیشرفت تحصیلی، تفاوت معناداری وجود نداشت.

قدم‌پور و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین پنج ویژگی بارز شخصیتی (برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، تطابق‌پذیری، روان‌رنجوری و گشودگی نسبت به تجربه) و هوش فرهنگی، رابطه معناداری وجود دارد و ویژگی تطابق‌پذیری، بهترین پیش‌بینی‌کننده هوش فرهنگی است.

کارشکی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «نقش خودکارآمدی در باورهای فراشناختی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که همبستگی معناداری بین فراشناخت و خودکارآمدی دانشجویان وجود دارد.

یوسف‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌های فراشناختی بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه رشته انسانی ناحیه ۱ شهر همدان» انجام دادند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های فراشناختی، میزان خودکارآمدی (تعمق بر هدف، تمرکز بر هدف، انگیزش درونی، مهارت حل مسئله و خود

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۱۷

ارزشیابی) دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

د) هدف

هدف کلی از انجام این پژوهش، شناسایی رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بوده است. اهداف جزئی این پژوهش عبارتند از:

۱. شناسایی رابطه هوش فرهنگی فراشناختی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان.
۲. شناسایی رابطه هوش فرهنگی شناختی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان.
۳. شناسایی رابطه هوش فرهنگی انگیزشی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان.
۴. شناسایی رابطه هوش فرهنگی رفتاری با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان.

ه) روش

در این پژوهش، از طرح تحقیق همبستگی استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد شده هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی بود که به طور همزمان و در یک مرحله استفاده شد.

الف) مقیاس هوش فرهنگی: از پرسشنامه استاندارد شده چهار عاملی هوش فرهنگی متعلق به ارلی و آنگ (۲۰۰۴) استفاده شده که شامل ۲۰ گویه است. نحوه نمره‌گذاری این مقیاس هفت درجه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» و به ترتیب با نمرات ۱ تا ۷ و بر اساس طیف لیکرت بوده و نمرات بین ۲۰ تا ۱۴۰ است.

ب) مقیاس خودکارآمدی تحصیلی: از پرسشنامه استاندارد شده خودکارآمدی تحصیلی متعلق به آون و فرانمن (۱۹۹۸) استفاده شده که دارای ۳۳ گویه است که نسخه فارسی آن به ۳۲ گویه تقلیل یافته و بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت، از «اطمینان زیاد» تا «اطمینان کم» و به ترتیب با نمرات ۱ تا ۵ بوده و نمرات بین ۳۲ تا ۱۶۰ است.

در این تحقیق، برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمونهایی است که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند. بر این اساس، برای سنجش میزان اطمینان یا پایایی پرسشنامه‌های تحقیق، تعداد ۳۸ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع شد و میزان آلفای کرونباخ آنها به وسیله نرم‌افزار اس.پی.اس.اس مورد ارزیابی قرار گرفت. ضریب پایایی حاصل از ۳۸ پرسشنامه تکمیل‌شده خودکارآمدی تحصیلی، هوش فرهنگی و مؤلفه‌های هوش فرهنگی طبق روش آلفای کرونباخ در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ خودکارآمدی تحصیلی و هوش فرهنگی و ابعاد آن

عنوان	تعداد گویه	میزان آلفا
سازه	خودکارآمدی تحصیلی	۰/۸۹۲
	هوش فرهنگی	۰/۸۲۵
ابعاد	راهبرد (فراشناخت)	۰/۶۰۷
	دانش (شناخت)	۰/۸۲۸
	انگیزشی	۰/۷۴۴
	رفتاری	۰/۷۷۳

جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بودند که تعداد آنها ۱۳۴۸۲ نفر بود. حجم نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر و روش نمونه‌گیری، به صورت تصادفی و خوشه‌ای بوده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، برای تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی از جمله فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و انحراف استاندارد و از روشهای آمار استنباطی آزمونهایی کولموگراف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

در جدول ۲، نمونه آماری بر اساس جنسیت و گروه تحصیلی آورده شده است.

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ۱۱۹

جدول ۲: بررسی نمونه آماری بر اساس جنسیت و گروه تحصیلی

گروه تحصیلی						جنسیت
علوم انسانی	علوم پایه	فنی و مهندسی	منابع طبیعی	پزشکی	جمع کل	
۱۰۵	۱۱	۶۶	۱۶	۶	۲۰۴	مرد
۹۲	۱۰	۵۹	۱۴	۵	۱۸۰	زن
۱۹۷	۲۱	۱۲۵	۳۰	۱۱	۳۸۴	جمع کل

(و) فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه اصلی: بین هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

۱. بین هوش فرهنگی فراشناختی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین هوش فرهنگی شناختی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین هوش فرهنگی انگیزشی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین هوش فرهنگی رفتاری با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

ز) یافته‌های تحقیق

۱. نتایج توصیفی

همان‌گونه که در جدول ۳ نشان داده شده، میانگین نمرات هوش فرهنگی دانشجویان ۸۱/۰۸ و در بین ابعاد آن، بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه انگیزشی با ۲۲/۰۶ و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه فراشناختی (۱۷/۶۳) است. در این میان، پیوستار هوش فرهنگی، حداقل ۳۲ و حداکثر ۱۳۴ و میانگین نمرات خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ۱۰۳/۵۵ است. پیوستار خودکارآمدی تحصیلی نیز حداقل ۵۴ و حداکثر ۱۴۹ است.

جدول ۳: بررسی میانگین و انحراف استاندارد نمرات خودکارآمدی تحصیلی، هوش فرهنگی و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	چارک اول	چارک دوم	چارک سوم
هوش فرهنگی	۳۸۴	۸۱/۰۸	۱۸/۸۵	-۰/۰۴۴	۳۲	۱۳۴	۷۰	۸۰	۹۴
فراشناختی	۳۸۴	۱۷/۶۳	۵/۲۲	-۰/۲۶۹	۴	۲۸	۱۴	۱۸	۲۱
شناختی	۳۸۴	۲۰/۵۲	۷/۸۷	۰/۰۲	۱	۴۲	۱۴/۲۵	۲۰	۲۵
انگیزشی	۳۸۴	۲۲/۰۶	۶/۷	-۰/۵۵	۵	۳۵	۱۷	۲۲	۲۷
رفتاری	۳۸۴	۲۰/۸۸	۷/۲۹	-۰/۷۵	۵	۳۵	۱۵	۲۱	۲۷
خودکارآمدی تحصیلی	۳۸۲	۱۰۳/۵۵	۱۷/۲۴	۰/۰۲۴	۵۴	۱۴۹	۹۳	۱۰۳	۱۱۶

۲. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه آزمونهای پارامتریک به پیش فرضهای مشخصی مانند نرمال بودن توزیع جامعه نیاز دارند، برای بررسی نرمال بودن توزیع جامعه، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. با توجه به اینکه Sig همه عوامل (خودکارآمدی

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۲۱

تحصیلی، هوش فرهنگی، هوش فرهنگی شناختی، هوش فرهنگی انگیزشی و هوش فرهنگی رفتاری) به جز هوش فرهنگی فراشناختی ($\text{sig} = 0/026$) بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابر این، توزیع عوامل در پاسخهای ارائه شده به متغیرهای تحقیق، نرمال است و آزمون کولموگراف - اسمیرنوف برای تطابق توزیع‌های نمونه با توزیع نظری غیر معنادار بوده است. از این رو، می‌توان از آزمونهای پارامتریک برای بررسی روابط میان متغیرها استفاده کرد.

جدول ۴: بررسی نرمال بودن آزمونهای آماری و ابعاد آن

خودکارآمدی تحصیلی	هوش فرهنگی	هوش فرهنگی شناختی	هوش فرهنگی انگیزشی	هوش فرهنگی رفتاری	
۰/۸۹۱	۰/۸۳۹	۱/۴۷۲	۱/۱۹۸	۱/۱۲۲	کولموگراف - اسمیرنوف Z
۰/۵۵۹	۰/۴۸۲	۰/۰۲۶	۰/۱۱۳	۰/۱۶۱	سطح پوشش دو سویه (sig)
۳۸۲	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد

یک) نتیجه آزمون فرض اصلی

در این آزمون، فرض همبستگی بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان بررسی شده است. در تحقیق، این‌گونه فرض شده که بین متغیرهای هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی، همبستگی وجود دارد (فرض H_1). خروجی حاصل از آزمون همبستگی در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: همبستگی بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی

هوش فرهنگی	متغیر پیش‌بین	
	شاخصها	متغیر ملاک
۰/۲۸۷	ضریب همبستگی	خودکارآمدی تحصیلی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۳۸۴	تعداد	
** معناداری همبستگی در سطح ۰/۰۱ (دو طرفه)		

با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) به دست آمده از جدول ۵، فرض وجود رابطه معنادار بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود و با توجه به ضریب به دست آمده ($r = ۰/۲۸۷$)، شدت رابطه بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، «ضعیف» ارزیابی می‌شود.

دو) نتیجه آزمون فرضیه فرعی ۱

در این آزمون، فرض همبستگی بین هوش فرهنگی فراشناختی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان بررسی و خروجی حاصل از آزمون در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: همبستگی بین هوش فرهنگی فراشناختی و خودکارآمدی تحصیلی

هوش فرهنگی فراشناختی	متغیر پیش‌بین	
	شاخصها	متغیر ملاک
۰/۱۷۵	ضریب همبستگی	خودکارآمدی تحصیلی
۰/۰۰۱	سطح معناداری (sig)	
۳۸۴	تعداد	
** معناداری همبستگی در سطح ۰/۰۱ (دو طرفه)		

۱۲۳ ♦ رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ...

با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0/001$) به دست آمده از جدول ۶، فرض وجود رابطه معنادار بین هوش فرهنگی فراشناختی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود و با توجه به ضریب به دست آمده ($r = 0/175$)، شدت رابطه بین هوش فرهنگی فراشناختی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، «ضعیف» ارزیابی می‌شود.

سه) نتیجه آزمون فرضیه فرعی ۲

در این آزمون، فرض همبستگی بین هوش فرهنگی شناختی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان بررسی و خروجی حاصل از آزمون در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: همبستگی بین هوش فرهنگی شناختی و خودکارآمدی تحصیلی

هوش فرهنگی شناختی	متغیر پیش‌بین	
	شاخصها	متغیر ملاک
۰/۱۵۵	ضریب همبستگی	خودکارآمدی تحصیلی
۰/۰۰۲	سطح معناداری (sig)	
۳۸۴	تعداد	
** معناداری همبستگی در سطح ۰/۰۱ (دو طرفه)		

با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0/002$) به دست آمده از جدول ۷، فرض وجود رابطه معنادار بین هوش فرهنگی شناختی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود و با توجه به ضریب به دست آمده ($r = 0/155$)، شدت رابطه بین هوش فرهنگی شناختی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، «ضعیف» ارزیابی می‌شود.

چهار) نتیجه آزمون فرضیه فرعی ۳

در این آزمون، فرض همبستگی بین هوش فرهنگی انگیزشی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان بررسی و خروجی حاصل از آزمون در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: همبستگی بین هوش فرهنگی انگیزشی و خودکارآمدی تحصیلی

هوش فرهنگی انگیزشی	متغیر پیش‌بین	
	شاخصها	متغیر ملاک
۰/۳۰۸	ضریب همبستگی	خودکارآمدی تحصیلی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۳۸۴	تعداد	
***. معناداری همبستگی در سطح ۰/۰۱ (دو طرفه)		

با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) به دست آمده از جدول ۸، فرض وجود رابطه معنادار بین هوش فرهنگی انگیزشی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود و با توجه به ضریب به دست آمده ($r = ۰/۳۰۸$)، شدت رابطه بین هوش فرهنگی انگیزشی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، «متوسط» ارزیابی می‌شود.

پنج) نتیجه آزمون فرضیه فرعی ۴

در این آزمون، فرض همبستگی بین هوش فرهنگی رفتاری و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان بررسی و خروجی حاصل از آزمون در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹: همبستگی بین هوش فرهنگی رفتاری و خودکارآمدی تحصیلی

هوش فرهنگی رفتاری	متغیر پیش‌بین	
	شاخصها	متغیر ملاک
۰/۱۶۸	ضریب همبستگی	خودکارآمدی تحصیلی
۰/۰۰۱	سطح معناداری (sig)	
۳۸۴	تعداد	
***. معناداری همبستگی در سطح ۰/۰۱ (دو طرفه)		

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۲۵

با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0/001$) به دست آمده از جدول ۹، فرض وجود رابطه معنادار بین هوش فرهنگی رفتاری و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود و با توجه به ضریب به دست آمده ($r = 0/168$)، شدت رابطه بین هوش فرهنگی رفتاری و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، «ضعیف» ارزیابی می‌شود.

ح) نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان پرداخته شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین ابعاد هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد و این یافته‌ها تا حدود زیادی نیز با نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده مطابقت دارد.

البته محققین، پژوهشی را که در آن به طور مستقیم به سنجش رابطه بین هوش فرهنگی و خودکارآمدی تحصیلی پرداخته باشد، چه در داخل و چه در خارج از کشور پیدا نکردند؛ اما سایر پژوهش‌هایی که به طور موازی انجام شده بودند، نتایج آنها همسو با نتایج به دست آمده از این پژوهش بود.

در تبیین این رابطه‌ها می‌توان گفت که افراد، نتایج به دست آمده از موفقیتها و شکستها، تشویقهای اجتماعی و پیشنهادهای کلامی، مقایسه‌های اجتماعی و پیشرفت دیگران را تفسیر می‌کنند و این تفسیرها، اطلاعاتی را که مبنای قضاوت است فراهم می‌کنند که باعث تقویت و تضعیف کارآمدی شخصی می‌شود. در این بین و در محیط‌های آموزشی که دارای تنوع فرهنگی بیشتری‌اند، چگونگی تقویت و تضعیف خودکارآمدی در ارتباطات فرهنگی را بایستی در هوش و کارکردهای آن جست. در این صورت، با عنایت به پذیرش هوشهای چندگانه و وجود رویکردهای متفاوت در این باره جهت مهار تنوع فرهنگی و بهبود عملکرد افراد، هوش فرهنگی لازم و جوابگوی تعاملات افرادی به لحاظ فرهنگی متفاوت است.

دانشجویان با مشاهده افراد متفاوت با نگرشها، اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت، می‌توانند خودکارآمدی‌شان را تقویت کرده، خودشان را برای انجام تکلیف برانگیزانند. یکی از مهم‌ترین

شیوه‌های پرورش و افزایش خودکارآمدی دانشجویان، شیوه‌اندیشه‌ورزی است. علاقه‌مندی بسیاری از محققان به حیطه‌های فراشناختی، نقش تلویحات مهم این حوزه در تعلیم و تربیت است. برای مثال، نقش آن در سبک دانش‌فرایندی و موقعیتی، افزایش توانایی خواندن و فهمیدن، لازمه موفقیت در حل مسئله، جهت‌دهی و هدایت راهبردها و فرایندهای شناختی و ... که به کارگیری آنها باعث درگیری عملی، سازندگی و خودمسئولیت‌پذیری اجتماعی شده، افزایش اعتماد به نفس را به همراه می‌آورد.

راهبردهای شناختی، راههای یادگیری و ابزارهای لازم برای یادگیری محتوایند و به ما کمک می‌کنند تا اطلاعات تازه را برای ترکیب با اطلاعات قبلاً آموخته شده و ذخیره‌سازی آنها را در حافظه درازمدت آماده کنیم. لذا با توجه به اینکه کارکرد مدارس و نظام آموزشی چگونه آموختن و چگونه به یاد سپردن است، دانشجویان با آگاهی ظاهری در مورد سیستم‌های اجتماعی، قانونی و اقتصادی در فرهنگهای مختلف و خرده‌فرهنگها و دانش رویه‌ای که از طریق مشاهده و تقلید انجام می‌گیرد، دانش هوش فرهنگی خود را افزایش داده، تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی را درک می‌کنند که در این میان فرد قادر است یک تصویر و نقشه مناسب از وضعیت اجتماعی داشته باشد تا بتواند به طور مؤثر عمل کند. پس افراد با مهارت بالا، راهبردهای شناختی را به خدمت می‌گیرند تا به پیشرفت شناختی دست یابند. در ادامه، مؤلفه انگیزشی نقش کلیدی ایفا می‌کند و افرادی که مؤلفه انگیزشی بالایی دارند، در تعاملات میان‌فرهنگی اثربخش‌تر عمل می‌کنند و شخصی که در بُعد انگیزشی، هوش فرهنگی پایینی داشته باشد، هنگامی که در دستیابی به هدف دچار ناامیدی اولیه شود، انتظارات کارآمدی به طور تصاعدی آفت پیدا می‌کند، تصویر منفی از خود پیدا می‌کند و از تعامل با دیگران دوری کرده و انزوا اختیار می‌کند. بنابر این، انگیزش، دلایل رفتار افراد را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که چرا آنها به روشی خاص عمل می‌کنند. رفتار دارای انگیزه، رفتاری با انرژی، جهت‌دار و دنباله‌دار است.

رفتارهای کلامی و غیر کلامی مناسب، کنشهای اجتماعی، مقایسه‌ها و پیامهای دریافتی فرد از محیط اجتماعی می‌تواند کارایی شخص را کاهش یا افزایش دهد. باورهای خودکارآمدی را از رفتارهای دیگران و از محیط اجتماعی دریافت می‌کند، ایجاد می‌کند و گسترش می‌دهد و به فرد کمک می‌شود تا تلاش بیشتری را به کار برد و پشتکار مورد نیاز را

رابطه هوش فرهنگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان ... ♦ ۱۲۷

برای موفقیت تداوم بخشد. این رشد پیوسته، مهارتها و کارآمدی شخص را در پی دارد و در نتیجه، موجب بهبود عملکرد افراد در انجام تکالیف و پیشرفت تحصیلی می‌شود. لذا با توجه به اینکه خودکارآمدی نقش واسطه‌ای را برای عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی بر عهده دارد، می‌توان گفت که باورهای فراشناختی و شناختی محیطی، راهبردهای انگیزشی و پیامهای دریافتی شخص از محیط اجتماعی، ارتباط و تأثیر خود را بر خودکارآمدی در محیط آموزشی خواهند گذاشت.

از میان محدودیتهای پژوهش می‌توان به تعداد کم نمونه‌ها و محدود کردن جامعه به دانشگاه آزاد اسلامی اشاره کرد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و پیشینه آن، اولاً لازم است مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی هر چه بیش از پیش، سعی در ارتقای هوش فرهنگی و دانش هوش فرهنگی در مجموعه‌های آموزشی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی مهارتهای هوش فرهنگی در برنامه‌های فرهنگی داشته باشند و الگوهای ارتباطی را مد نظر قرار دهند. ثانیاً، کتاب آموزشی مهارتهای هوشی، جزء کتابهای دروس عمومی دانشجویان طراحی شود.



منابع

- ترابی، شهناز و همکاران (۱۳۹۰)؛ بررسی تأثیر آموزش هوش هیجانی بر خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان ملارد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- رستمی، رضا و دیگران (۱۳۸۹)؛ «رابطه خودکارآمدی با هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان»، فصلنامه *افق دانش*، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره شانزدهم، ش ۳.
- ظهروه‌وند، راضیه (۱۳۸۹)؛ مقایسه مفهوم خود، خودکارآمدی تحصیلی، هوش هیجانی، باورهای جنسیتی و رضایت از جنس دختران و پسران دبیرستانی و سهم هر یک از این متغیرها در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی آنها، طرح پژوهشی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- قدم‌پور، عزت‌اله و همکاران (۱۳۹۰)؛ «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال دوم، ش ۱ (بهار)، پیاپی ۵: ۸۱-۱۰۱.
- کارشکی، حسین و حمیده پاک‌مهر (۱۳۹۰)؛ «نقش خودکارآمدی در باورهای فراشناختی دانشجویان»، اولین همایش یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت. مشهد، دانشگاه فردوسی.
- کاظمی، معصومه و همکاران (۱۳۸۷). بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی العالمیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، مجتمع آموزش عالی قم.
- معصومی، فائزه و همکاران (۱۳۸۹)؛ «رابطه بین سبکهای تفکر با خودکارآمدی جوانان دختر و پسر دانش‌آموزان پیش دانشگاهی شیراز»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال اول، ش ۴ (زمستان).
- یوسف‌زاده، محمدرضا؛ ابوالقاسم یعقوبی و معصومه رشیدی (۱۳۹۱). «تأثیر آموزش مهارت‌های فراشناختی بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه»، *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ش ۳ (پاییز): ۱۱۸-۱۳۳.
- Aahad, M. & T Rockstuhl (2009). "Cross-Cultural Training,

- Expatriate Self-Efficacy and Adjustment to Overseas Assignment: An Empirical Investigation of Managers in Asia**". *International Journal of Intercultural Relations*, 33(4): 277–290.
- Adeyemo. (2007). **"Moderating Influence of Emotional Intelligence on the Link Between Academic Self-efficacy and Achievement of University Students"**. *Psychology & Developing Societies*; vol. 19, 2: pp. 199-213.
 - Ang, S. & L.V. Dyne (2008). **"Conceptualization of Cultural Intelligence"**. In Ang Soon and Linn Van Dyne (Eds.). *Handbook of Cultural Intelligence: Theory, Measurement and Application* (P.3-15). New York: M.E. Sharpe, Inc.
 - Ang, S.; L. Van Dyne, Ch. Koh, K.Y. Ng, K.J. Templer, Ch. Tay & N.A. Chandrasekar (2007). **"Cultural Intelligence: its Measurement and Effects on Cultural Judgment and Decision Making, Cultural Adaptation and Task Performance"**. *Management and Organization Review*, 3: 335-371.
 - Ang, Soon; Line Van Dyne & Christine Koh (2006). **"Personality Correlates of the For-Factor Model of Cultural Intelligence"**. *Group & Organization Management*, Vol.31, No.1: 100-123.
 - Bandura, A. (1997). **"Effect of Perceived Control Ability and Performance Standards on Self-Regulation of Complex Decision Making"**. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56: 805-814.
 - Bandura, A. (1993). **"Perceived Self-Efficacy in Cognitive Development and Functioning"**. *Educational Psychologist*, 28(2): 117-148.
 - Bandura, A. (Ed.) (1995). **Self-Efficacy in Changing Societies**. New York: Cambridge University Press.
 - Bandura, A. (1982). **"Self-Efficacy Mechanism in Human Agency"**. *American Psychologist*, Vol.37: 122–147.
 - Bandura, A. (1997). **Self-Efficacy: The Exercise of Control**. New York: Freeman.
 - Imai, L. & Gelfand, M.j. (2010). **"The Culturally Intelligent Negotiator: The Impact of Cultural Intelligence (CQ) on Negotiation Sequences and Outcomes"**, *Organizational Behavior and Human Decision Processors*, 112 (2010) 83-98.
 - Johan Ferla, M. V. (2009). **"Academic self-efficacy and academic self-concept: Reconsidering structural relationships"**. *Learning and Individual Differences*, 499-505.
 - Lugo, M. (2007). **"An Examination of Cultural and Emotional Intelligences in the Development of Global Transformational Leadership Skills"**. Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy.
 - Pajares, F. (2002). **"Gender and Perceived Self-Efficacy in Self-Regulated Learning"**. *Theory in to Practice*, spring, Vol.47.

- Van Dyne, L; Ang, S and Kon, S.K.(2006). **“Personality Correlates of the four - factor model of cultural intelligence”**, *Group and organization Management*, Vol.31, pp.100-123.
- Zimmerman, B.J. (1995). **“Self-Efficacy and Educational Development”**. In A. Bandura (Ed.). *Self-Efficacy in Changing Societies* (P.202-231). New York: Cambridge University Press.

